

# بررسی سندی زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی ♦

## در روز غدیر

\*دکتر امیر توحیدی

\*\*معصومه آبدالله

### چکیده

زیارت حضرت امیرالمؤمنین ♦ در روز غدیر که از جانب امام هادی ♦ صادر گردیده، یکی از عالی‌ترین زیارت‌های حضرت امیر ♦ است که در طی آن یک دوره کامل عقاید شیعه در آن مطرح شده است. از آنجا که یکی از راه‌های بیان حقایق دین و معالم مکتب تشیع، ادعیه و زیاراتی است که از ناحیه معصومین (علیهم السلام) صادر و به شیعیان تعلیم داده شده است، به منظور آشنایی هرچه بیشتر و بهره‌برداری از مفاهیم عالی این زیارت در این پژوهش سعی شده با استفاده از کتب رجال سلسله سند راویان این زیارت و درجه اعتبار آنها مورد ارزیابی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: زیارت، زیارت مأثوره، سند، وثاقت، راویان ثقه

---

\*استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

\*\*دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۱۰/۴

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۱۳

## مقدمه

زیارت از ریشه «زور» و به معنای میل و عدول از چیزی است. پس زائر را از آن جهت زائر می‌گویند که وقتی به زیارت مزور می‌رود از غیر او عدول می‌کند و رو بر می‌گرداند. از این رو برخی گفته‌اند: زیارت به معنی قصد و توجه است. (ابن فارس، ۳۶۳) گویی زائر به هنگام زیارت تمام توجه خویش را معطوف به مزور می‌کند و از غیر او رو بر می‌گرداند.

بی‌تردید یکی از راه‌های بزرگداشت مفاخر و صاحبان کمال، زیارت آنان است زیرا این امر در حقیقت موجب بقا و استمرار حیات معنوی و علمی آنان می‌شود و وسیله ارتباط روحی و عاطفی با شخصیت‌های والا و کمالات ایشان می‌گردد.

امام علی بن موسی الرضا ♦ رابطه زائر و مزور در مکتب اهل بیت را این‌گونه بیان فرمودند:

ان لكل امام عهداً في عنق اوليائه و شيعته و  
ان من تمام الوفا بالعهد و حسن الاداء زيارة  
قبورهم فمن زارهم رغبة في زيارتهم و تصديقاً  
بما رغبوا فيه كان ائمتهم شفعا لهم يوم  
القيمه. (کلینی، ۴، ۵۶۷)

هر امامی به گردن دوستان و شیعیانش عهد و پیمانی دارد که وفای کامل و نیکو به آن عهد و پیمان زیارت قبور ایشان است. پس کسانی که با اشتیاق و تصدیق نسبت به آنان به زیارتشان بروند در روز قیامت ائمه (علیهم السلام) شفیع ایشان خواهند بود.

## اقسام زیارت: زیارت مأثور و غیرمأثور

به هنگام زیارت معصومین (علیهم السلام) زائر گاهی با الفاظ و عبارات خود کمالات و مناقب معصومین (علیهم السلام) را بر زبان جاری می‌سازد و از این طریق ارادت قلبی خود را نسبت به اولیای الهی اظهار می‌دارد و از دشمنان ایشان بیزاری می‌جوید، که چنین زیارتی زیارت غیرمأثور است. گاهی نیز زائر به وسیله زیارتی که از معصوم رسیده ارادت قلبی خود را به پیشگاه سادات خویش عرضه می‌دارد و بدین طریق از زبان اولیای حق به وصف و ستایش موالیان خود می‌پردازد که این‌گونه زیارات را «زیارات مأثور» می‌نامند. نظیر زیارت جامعه کبیره و زیارت امین‌الله و ...

غالباً در زیارات مأثوره گذشته از اظهار تولی و تبری زائر با ابعاد وجودی و شخصیت امام آشنا می‌شود و بر اثر تدبّر و تأمل در مضامین بلند عرفانی آن می‌تواند به زیارت با معرفت نایل شود. در این گونه زیارات، مباحثی از قبیل توحید و صفات الهی، نبوت و پیامبرشناسی، امامت و رهبری، تاریخ زندگانی ائمه هدی (علیهم السلام) و بیان مظلومیت‌ها و رنج‌های آنان، و بسیاری معارف دیگر بیان شده است. پس، به یقین می‌توان گفت: زیارت‌نامه‌هایی نظیر زیارت امین‌الله، زیارت حضرت امیر ♦ در روز غدیر و زیارت جامعه کبیره و... از جمله گنجینه‌های گران‌سنگی به شمار می‌رود که در کنار کتاب خدا و احادیث معتبر، منبع غنی و سرشاری است برای هرچه بهتر شناختن حقیقت دین و آشنایی با مقام و منزلت معصومین (علیهم السلام).

یکی از شیوه‌های رایج علمی در استفاده از روایات نقل شده از پیامبر اکرم □ و اهل بیت ایشان (علیهم السلام)، آن است که معمولاً اخبار و احادیث را در دو مرحله به بحث می‌گذارند. یکی مرحله سند و دیگری مرحله دلالت. به این روش، به خصوص در مباحث فقهی و استنباط احکام شرعی از منبع «سنت»، اهمیت بیشتری داده شده است و فقیهان، آنجا که می‌خواهند بر اساس یک روایت، حکمی الزامی (وجوب یا حرمت) را به شارع نسبت دهند، با دقت و موشکافی، ابتدا سند آن را بررسی می‌کنند. دانشمندان فقه و حدیث از این نظر احادیث را به چهار گروه اصلی صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم می‌کنند و در مقام عمل به احادیث فقهی، فقط در صورتی که روایتی از حد نصاب لازم برای استفاده یک موضوع فقهی برخوردار باشد، مطابق آن فتوا می‌دهند. البته چنان‌که اشاره شد، دقت نظری که فقها در بررسی اسناد روایات اعمال می‌کنند بیشتر در جایی است که بخواهند بر اساس آن به وجوب یا حرمت عملی نظر بدهند و گرنه در غیر احکام الزامی، از قاعده‌ای به نام قاعده تسامح در ادله سنن استفاده می‌کنند و معتقدند دقت و سختگیری در اسناد اخباری که بر امور مستحبی (یا مکروه) دلالت دارد لازم نیست. (سبحانی، ۱۱۵/۲)

با این مقدمه می‌توان گفت که در مثل محل بحث ما یعنی زیارت حضرت امیر در روز غدیر و سایر زیارت‌نامه‌ها، نیازی به بررسی سند به شیوه رایج فقهی نیست؛ زیرا اصل زیارت مستحب و خواندن زیارت‌نامه نیز مستحب است و از این نظر قاعده یاد شده می‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

اما بنای پژوهش حاضر بر آن است که به بررسی سندی این زیارت پردازد و اسنادی که محدثین و نویسندگان کتب مزار و حدیث برای این زیارت‌نامه شریف نقل کرده‌اند اشاره نماید.

## ملاک حجیتِ دلیلِ نقلی

یکی از مباحثی که دانشمندان علم اصول در این زمینه با حجیت اخبار و احادیث نقل شده از معصومین (علیهم السلام) مطرح می‌کنند آن است که ملاک حجیت خبر واحد اطمینان به صدور آن از معصوم ♦ است. البته به‌طور معمول این وثاقت و اطمینان، از شناخت عدالت و وثاقت راویان و توثیق کتب رجالی به دست می‌آید ولی باید توجه داشت که این امر موضوعیت ندارد بلکه طریقت دارد؛ یعنی اصرار بر اتصال سلسله سند روایت و احراز وثاقت و عدالت آنان صرفاً به عنوان راهی برای اطمینان به صدور حدیث از معصوم ♦ اهمیت پیدا می‌کند و به خودی خود هدف نمی‌باشد و ارزش ذاتی ندارد. (همان، ۲/ ۱۱۵)

بنابراین از هر راه معقولی که اطمینان به صدور به دست آید کافی است؛ خواه به عدالت و وثاقت راوی باشد خواه به اتقان و صلابت متن و خواه به استناد فقها در مقام استدلال و امثال آن.

در مورد زیارت حضرت امیر ♦ در روز غدیر سلسله سند راویان کامل و متصل به معصوم ♦ است و متن زیارت طوری است که صدور آن از غیر معصوم غیرممکن به نظر می‌رسد. البته این موضوع وقتی مسلم و مسجل خواهد شد که عبارات این زیارت را بر معارف بلند قرآن کریم عرضه نماییم و هماهنگی و عدم مغایرت مضامین آن را با آیات قرآن به روشنی دریابیم؛ زیرا بنا بر روایات رسیده از معصومین (علیهم السلام) یکی از مهم‌ترین راه‌های شناخت حدیث صحیح عرضه آن بر قرآن است. به عبارت دیگر، مرجع نهایی بررسی صحت و سقم روایات، قرآن کریم می‌باشد. و البته این مطلب پژوهش دیگری را می‌طلبد که موکول به توفیق الهی در آینده خواهد بود.

## سند زیارت

زیارت حضرت امیرالمؤمنین ♦ به وسیله تعدادی از مؤلفین کتب زیارت و حدیث نظیر شهید اول در «المزار»، علامه مجلسی در «بحارالانوار»، شیخ محمدبن المشهدی در «المزار الکبیر» و شیخ عباس قمی در «هدیه الزائرین» از حضرت امام هادی ♦ نقل شده است. مؤلفین مذکور در نقل این زیارت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) برخی از مؤلفین زیارت مذکور را بدون ذکر سلسله و به صورت مرسل آورده و فقط به متن زیارت توسط امام هادی ♦ در روز عید غدیر اکتفا نموده‌اند. به عنوان مثال، علامه مجلسی در کتاب *بحارالانوار*،

۱۷۲/۴۱ تا ۱۷۹ متن کامل زیارت را بدون ذکر سند آورده است.

ب) برخی دیگر از نویسندگان فوق که آنان هم سند خود را به امام هادی  $\blacklozenge$  رسانده‌اند، برای این زیارت سلسله سند ذکر نموده‌اند. به عنوان مثال شیخ ابو عبدالله محمد بن جعفر المهدی، در کتاب «المزار کبیر» و شیخ عباس قمی در «هدیة الزائرین» این زیارت را به صورت مسند چنین نقل می‌کنند: «اخبرنی الفقیه الاجل ابوالفضل شاذان بن جبرئیل القمی عن الفقیه العماد محمد بن ابی القاسم طبری، عن ابی علی، عن والده محمد بن الحسن، عن الشیخ المفید محمد بن محمد بن النعمان، عن ابی القاسم جعفر بن قولویه، عن محمد بن یعقوب الکلینی، عن علی بن ابراهیم، عن ایبه، عن ابی القاسم بن روح و عثمان بن سعید العمری عن ابی محمد الحسن بن العسکری عن ایبه - صلوات الله علیهما.» (قمی، ۲۲۹)

در مزار قدیم که مؤلفش فردی معاصر محمد بن المشهدی است نیز این زیارت به همین سند مذکور است به اختلاف جزئی، به این قسم که تا شیخ کلینی موافقت کرده پس از آن گفته: «عن علی بن ابراهیم، عن شیخ ابی القاسم بن روح عن الشیخ الجلیل عثمان بن سعید و به ملاحظه طبقه روات، این سند به صواب اقرب است.»<sup>۱</sup>

در مزار قدیم بعد از ذکر سند این زیارت چنین فرموده: «عن الشیخ الجلیل عثمان بن سعید العمری - قدس الله ارواحهم - عن مولانا ابی محمد الحسن العسکری، عن مولانا ایبه علی بن محمد الهادی - صلوات الله علیهم و ذکر أنه علیه السلام - زار بها مولانا امیر المؤمنین  $\blacklozenge$  یوم الغدیر فی السنّة الّتی أشخصه فیها المعتصم، فتقف علی ضریح مولانا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب - صلوات الله علیه و کلمّا حضرت مشهده الشریف - و این حَلَّت من البلاد فزُرّه بهذه الزیارة و خصوصاً یوم الغدیر.» (عثمان بن سعید از امام حسن عسکری  $\blacklozenge$  روایت کرده که آن حضرت فرمود: پدر بزرگوارش به این زیارت امیر المؤمنین  $\blacklozenge$  را در روز غدیر زیارت کرده در آن سالی که معتصم آن حضرت را طلبیده بود. پس می‌ایستی بر سر قبر حضرت و هرگاه حاضر شدی در آن مشهد شریف و در هر سرزمینی که باشی. پس آن حضرت را به این زیارت به خصوص در روز غدیر زیارت کن.)

---

۱. در این سلسله ۱۰ راوی تا امام ذکر شده است و ابراهیم بن هاشم جزء سلسله سند ذکر نشده است.

## ارزیابی سند زیارت

### ۱. شاذان بن جبرئیل

آیت الله خوئی از برخی دانشمندان رجالی در مورد وی چنین نقل می‌کند: «الشیخ الجلیل الثقة، ابوالفضل شاذان بن جبرئیل بن اسماعیل القمی، کان عالماً، فاضلاً، فقیهاً عظیم الشان، جلیل القدر، له کتب له کتب منها کتاب «ازاحة» العلة فی معرفة القبلة، عندنا منه نسخة، ذکره الشهيد فی الذکری، و کتاب تحفة المؤلف الناظم و عمدة المكلف الصائم و قد ذکرهما الشیخ حسن فی اجازته، یروی عنه فخار بن معد الموسوی، و له ایضاً کتاب الفضائل، حسن، عندنا منه نسخة. (خوئی، ۹، ۷/)

### ۲. العماد محمد بن ابی القاسم الطبري

صاحب معجم الرجال در مورد وی به نقل از فهرست الشیخ مستجب الدین چنین می‌نویسد: «الشیخ الامام، عماد الدین محمد بن ابی القاسم بن محمد بن علی الطبري الاملي الكجی: فقیه، ثقة، قرأ علی الشیخ ابی‌علی بن الشیخ ابی‌جعفر الطوسی، و له تصانیف منها: کتاب الفرج فی الاوقات و المخرج بالبینات، شرح مسائل الذریعة، قرأ علیه الشیخ الامام قطب الدین ابوالحسین الراوندي و روي لنا عنه.» (خوئی، ۱۵/۳۰۷)

و قال ابن شهر آشوب فی معالم العلماء (۷۸۹): «محمد بن القاسم الكجی الطبري: له کتاب "البشارات" و قال الشیخ الحرّ فی تذکرة المتبحرین (۶۹۸): "و اسم ابی‌القاسم علی، و هو ثقة و جلیل القدر، محدث، و له ایضاً کتاب بشارة المصطفى لشیعة المرتضي، سبعة عشر جزءاً، و له کتاب الزهد و التقوي و غیر ذلك."» (همان، ۱۵، ۳۰۸-۳۰۷)

### ۳. عن ابی‌علی = الحسن بن محمد بن الحسن = الحسن بن الشیخ

آیت الله حویی در مورد ایشان چنین می‌نویسد: قال الشیخ منتجب الدین فی فهرسته: «الشیخ الجلیل ابو علی، الحسن بن محمد بن الحسن بن علی الطوسی فقیه، ثقة، عین، قرأ علی والده جمیع تصانیفه، اخبرنا الوالد عنه و قال الشیخ الحرّ فی تذکرة المتبحرین کان عالماً، فاضلاً، فقیهاً، محدثاً، جلیلاً،

ثقة له كتب منها: كتاب الامالي و شرح النهايه و غير ذلك. « (همان، ۵، ۱۱۴/)

در كتاب *الفهرست* شيخ طوسي آمده است: «الشيخ الجليل الثقة العين ابو علي الحسن - ابن الشيخ الطوسي - رحمه الله» (طوسي، ر)

#### ۴. عن والده محمد بن الحسن (شيخ طوسي)

شيخ طوسي صاحب دهها تأليف در حديث، فقه، تفسير و رجال است که نجاشي وی را چنین توصيف کرده است: «جليل في اصحابنا، ثقة، عين...». «(نجاشي، ص ۴۰۳؛ خوئي، ج ۵، ص ۲۴۳)

از آنجا که دو کتاب از کتب اربعه شيعه به ايشان تعلق دارد تاريخچه مختصري از زندگي ايشان را در اين قسمت نقل می‌نمایم.

ابوجعفر محمد بن حسن طوسي<sup>۱</sup>، فقيه، رجالي، مفسر، اديب و متکلم بزرگ شيعه است که ملقب به «شيخ الطائفة» می‌باشد. وی در ماه رمضان سال ۳۸۵ هجری به دنيا آمد و در سال ۴۶۰ هجری از دنيا رحلت کرد. (حلی، ص ۱۴۸) با توجه به این که او خود را در کتاب «فهرست» با عنوان «طوسي» یاد نموده (طوسي، ۶۹۹) و نجاشي نیز با همین لقب از او نام می‌برد، (نجاشي، ص ۱۰۶۸)، می‌توان نتیجه گرفت او در منطقه طوس خراسان به دنيا آمد و در همان شهر مقدمات علوم را فراگرفت.

#### ۵. الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان

وی استاد سیدمرتضی و سیدرضی، شيخ طوسي و نیز استاد عالم رجالي احمد بن علی نجاشي است.

نجاشي در توصيف وی می‌گوید: «شيخنا و استاذنا فضله اشهر من ان يوصف في الفقه و الكلام و الرواية و الثقة و العلم... له كتاب: الرسالة المقنعة الاركان في دعائم الدين، كتاب الايضاح في الامامة، كتاب الارشاد، كتاب العيون و المحاسن، كتاب الفصول من العيون و المحاسن و...»

شيخ طوسي پس از شرح کوتاهی درباره شخصیت وی می‌نویسد: او قریب به دوست کتاب از کوچک و

---

۱. برای زندگي شيخ طوسي، نک، شيخ آغابزرگ تهراني، تفسير تبیان ج اول، مقدمه کتاب، یادنامه شيخ طوسي، از انتشارات دانشگاه

بزرگ دارد. آن گاه پس از ذکر نوزده کتاب از آثار او اضافه می‌کند: «سمعنا منه هذه الكتب كلها بعضها قراءة عليه و بعضها يقراء عليه غير مرة و هو يسمع.» (همان، ۳۸۷)

شیخ طوسی برای نگارش تهذیب، کتاب مقنعه شیخ مفید را که در آن زمان مرجعیت شیعیان را بر عهده داشت، به عنوان چارچوب کار خود انتخاب نمود.

فهرست شیخ طوسی در مورد او چنین نوشته است: «يكني ابا عبدالله، المعروف بابن المعلم، من جملة متكلمي الامامية، انتهت اليه رئاسة الامامية في وقته، و كان مقدماً في العلم و صناعة الكلام و كان فقيهاً متقدماً فيه، حسن الخاطر، دقيق الفطنة، حاضر الجواب.» (طوسی، الفهرست، ص ۲۳۸)

## ۶. ابوالقاسم جعفر بن قولويه قمي - استاد شیخ مفید

نجاشی در مورد وی می‌گوید: «كان ابوالقاسم من ثقات اصحابنا و اعلامهم في الحديث و الفقه و كل ما يوصف به الناس من جميل و ثقة و فقيه فهو فقه» (ابوالقاسم از ثقات اصحاب ما بزرگان ایشان در فقه و حدیث است یعنی هر صفتی مثل جمیل و ثقة و فقیه که مردم بدان توصیف می‌شوند وی فوق آن است).

علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار در تمجید از کتاب وی می‌نویسد: «كتاب كامل الزيارات من الاصول المعروفة و اخذ منه الشيخ في التهذيب و غيره من المحدثين» (کتاب کامل الزیارات از کتاب‌های اصلی شناخته شده است و شیخ طوسی در تهذیب و دیگر محدثین از آن اخذ کرده‌اند).

یکی از امتیازات کتاب مذکور آن است که مؤلف، رجال اسناد آن را یکجا توثیق نموده است. عبارت ایشان چنین است: «لم اخرج حديثاً روي عن غيرهم و قد علمنا اننا لا نحيط ما روي عنهم في هذا المعني و لا في غيره لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من اصحابنا و لا اخرجت فيه حديثاً روي عن الشاذ من الرجال» (ابن قولويه، ۴) (در این کتاب از غیر ائمه طاهرين (علیهم السلام) روایت نکردیم و می‌دانیم که احاطه به همه روایات ایشان در این زمینه (زیارات و دیگر موارد ممکن نیست،



ولی فقط آنچه از ثقات اصحاب به ما رسیده آورده‌ایم، نه آنچه از راویان شاذ روایت شده است).

آیت الله محمدی گیلانی در این زمینه چنین می‌نویسد: «وثاقت راوی به شهادت ثقه ثابت می‌شود. در این جهت فرقی نیست که ثقه به وثاقت شخص معین و مخصوص شهادت دهد یا در ضمن توثیق جماعتی شهادت دهد.» (محمدی گیلانی، ۷۱)

به نظر آیت الله خوئی یکی از راههایی که وسیله اثبات وثاقت یا حسن راویان است، ادعای یکی از بزرگان قدیم در زمینه وثاقت یک راوی است. این اجماع هرچند از نوع اجمال منقول<sup>۱</sup> است، اما دست‌کم گویای توثیق دانشمندی است که ادعای اجماع کرده است، توأم با ادعای توثیق از طرف دیگران. ادعای اجماع بر وثاقت یک راوی، حتی اگر از جانب متأخران نیز باشد، مقبول است و بر آن اعتماد می‌شود. این حالت در خصوص ابراهیم بن هاشم رخ داده است؛ زیرا ابن طاووس ادعا کرده است که راجع به وثاقت او اتفاق نظر است. چنین ادعایی - خواه ناخواه - از توثیق دسته‌ای از قدما پرده برمی‌گیرد و این خود در اثبات وثاقت راویان کافی است. (خوئی، درآمدی بر علم رجال، ص ۵۳)

## ۷. محمد بن یعقوب الكليني

ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی متوفای سال ۳۲۹ هجری مولف نخستین کتاب از کتب اربعه شیعه می‌باشد. زادگاه کلینی، روستای کلین از توابع شهرری بوده و سال‌های ابتدای زندگی خود را در همان زادگاه خویش سپری کرده و سپس جهت کسب علوم دینی به قم روی آورده است. او پس از استفاده از محضر مشایخ آن حوزه، جهت تکمیل اطلاعات خویش به سفرهای متعددی دست زد که در رأس آن می‌توان از دیدار او از حوزه‌های کوفه، نیشابور و بغداد نام برد. کلینی پس از دیدار با بزرگان این حوزه‌ها مجدداً به ری عزیمت نمود.

نجاشی در کتاب رجال خود در مورد ایشان چنین می‌نویسد: «او ثق الناس في الحديث و اثبتهم صنف الكتاب الكبير المعروف بالكليني سمي الكافي في عشرين سنة...» (خوئی، ج ۱۹، ص ۷۰-۵۴)

---

۱. منظور از اجماع منقول، اجماعی است که فقیه خود به آن دست نیافته باشد بلکه دیگر فقیهان آن را برای او نقل کرده‌اند؛ چه این نقل با یک واسطه باشد یا با چند واسطه.

نجاشی در شرح حال او می‌نویسد: «کلینی در عصر خود بزرگ و پیشوای اصحاب ما در شهر ری بود و در حدیث موثق‌ترین و ضابط‌ترین آنها به شمار می‌آمد. او کتاب خود «کافی» را در ظرف بیست سال تألیف نمود.» (نجاشی، ص ۱۰۲۶)

مرحوم کلینی پس از تألیف جامع حدیثی خود در سال ۳۲۷ هجری عازم بغداد گردید و در دو سال آخر حیات خود، کتاب کافی را در جمع محدودی از یاران و شاگردان خود به معرض روایت گذاشت. (طوسی، ج ۱۰، ص ۲۹)

در کتاب کافی، مجموعاً ۱۵۳۳۹ روایت وجود دارد که سند آن با یکی از مشایخ کلینی شروع می‌گردد و بررسی این اسناد نشان می‌دهد که کلینی روایات خود را مجموعاً از سی و چهار نفر روایت کرده است. لیکن از مجموع روایات فوق ۱۵۲۸۴ روایت از هشت نفر از مشایخ حدیثی و پنجاه و پنج روایت به واسطه بیست و شش نفر دیگر روایت شده است. این مشایخ هشت‌گانه که در واقع ۹۹ درصد و اندی از روایات کافی به توسط آنان روایت شده است به ترتیب کثرت روایت عبارت‌اند از: علی بن ابراهیم قمی، محمد بن یحیی العطار، ابوعلی اشعری، حسین بن محمد، محمد بن اسماعیل، حمید بن زیاد، احمد بن ادریس و علی بن محمد. (معارف، ص ۳۵۸)

در بین مشایخ کلینی دو نفر بیش از دیگران در تربیت وی و تأمین منابع او سهم بوده‌اند و این دو عبارت از علی بن ابراهیم قمی و محمد بن یحیی اشعری می‌باشند. کلینی علاوه بر نقل روایات از این دو نفر بعضاً به ذکر فتاوی فقهای آنان نیز مبادرت کرده است. اما در عین حال باید توجه داشت که بسیاری از روایات کلینی از این دو نفر خاصه علی بن ابراهیم قمی با استفاده از آثار و احادیثی است که علی بن ابراهیم به توسط پدرش ابراهیم بن هاشم در کتابخانه خود فراهم کرده بود.

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که مرحوم کلینی در تألیف جامع روایی خویش از بسیاری از اصول و مصنفات حدیثی به‌طور مستقیم استفاده کرده است.

## ۸. علی بن ابراهیم: ابوالحسن القمی

صاحب التفسیر هو الثقة الجلیل ابوالحسن علی بن ابراهیم بن هاشم القمی، قال النجاشی (علی ما حکاه صاحب التنقیح). (تنقیح المقال، ۲/۲۶۰)

ثقة في الحديث، ثبت، معتمد، صحيح، المذهب سمع فاكثر.

(نجاشي، ص ۲۶۰)

و عنونه ابن داود في الباب الاول و وثقه في الوجيزه و  
البلغه و عن اعلام الوري انه من اجل رواة اصحابنا كان  
في عصر الامام العسكري ♦ و عاش الي سنه ۳۰۷ و قد اكثر  
ثقه الاسلام محمد بن يعقوب الكليني - رحمة الله - الروايه  
عنه في الكافي.

كتب علي بن ابراهيم قمي: الناسخ و المنسوخ، قرب الاسناد، الشرائع، التوحيد و الشرك، كتاب فضائل

امير المؤمنين ♦، كتاب المناقب.

## ۹. عن ابيه (ابراهيم بن هاشم) ابواسحاق القمي - اصله كوفي

آيت الله خويي در معجم الرجال چنين آورده اند: در وثاقت ابراهيم بن هاشم جای هيچ شك و ترديدى

نيست و دلالت آن را از چهار جهت مورد برسى قرار داده اند كه متن كامل آن را ذكر مى كنيم:

(۱) انه روي عنه ابنه علي في تفسيره كثيرا و قد  
التزم في اول كتابه بان ما يذكره فيه قد انتهى  
اليه بواسطة الثقات.

(۲) ان السيد بن طاووس ادعي الاتفاق علي وثاقته، حيث  
قال عند ذكره رواية عن امالي الصدوق في سندها  
ابراهيم بن هاشم: و رواة الحديث ثقات بالاتفاق.

(۳) انه اول من نشر حديث الكوفيين بقم و القميون قد  
اعتمدوا علي رواياته، و فيهم من هو مستصعب في  
امر الحديث، فلو كان فيه شائبه الغمز لم يكن  
يتسالم علي اخذ الرواية عنه و قبول قوله.

(۴) انه وقع في اسناد كامل الزيارات و قد مرت شهادة  
ابن قولويه بوثاقه جميع من وقع في اسناد كتابه  
المنتهيه روايتهم الي المعصوم عليه السلام.  
(خويي، ۱، ۱۳۸/)

## ۱۰. ابي القاسم بن روح از وكلاي امام مهدي ♦ = النوبختي ابوالقاسم

آيت الله خويي در مورد ايشان چنين مى نويسند: هو احد السفراء و النواب

الخاصه، للامام الثاني عشر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) و

شهره جلالته و عظمته اغتناعن الاطالة في شأنه. (همان، ۵، ۲۳۶)

ایشان یکی از سفرا و نواب خاص امام دوازدهم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند که شهرت جلالت و عظمت ایشان ما را از اطاله ی کلام در شأن ایشان بی نیاز می سازد.

حسین بن روح از زمان امام حسن عسکری ◆ به خدمت مشغول بود و او را در شمار اصحاب خاص و حتی «باب» امام یازدهم ◆ نوشته اند. (مناقب آل ابي طالب، ۱/ ۴۵۸)

از ویژگی های ابوالقاسم حسین بن روح که ظاهراً در گزینش او و انتصابش به نیابت بی تأثیر نبوده، این است که وی شخصی بسیار رازدار و سرنگه دار بوده است. روایت ابوسهل نوبختی از بزرگان امامیه مؤید این مطلب است. (طوسی، الغیبة، ص ۲۴۰)

شیخ طوسی می گوید: «ابوالقاسم (حسین بن روح) نزد دوست و دشمن داناترین مردم بود و تقیه را به کار می گرفت.» (همان، ص ۲۳۶)

آثار ایشان: در کتاب التکلیف و التأدیب می باشد که ذکر آن در الغیبه شیخ طوسی آمده است. (همان، ص ۲۳۹ - ۲۴۰)

ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی در ماه شعبان سال ۳۲۶ وفات یافت و در بغداد در خانه علی بن احمد نوبختی به خاک سپرده شد. (همان، ۲۳۸)

امام ◆ در توقیعی که شیخ طوسی در الغیبه آورده، چنین فرموده است: «ما او را می شناسیم. خداوند همه خوبی ها و رضای خود را به او بشناساند و او را به توفیق خود سعادت مند گرداند. از نامه او اطلاع یافتیم و به وثوق او اطمینان داریم. وی در نزد ما، مقام و جایگاهی دارد که او را مسرور می گرداند و خداوند احسان خود را درباره او افزون گرداند. همانا او سرپرستی تواناست. و سپاس بر خداوندی که شریک ندارد و درود و سلام فراوان خدا بر رسولش محمد □ و خاندان او باد.» (طوسی، ۲۲۷؛ الغیبة، ۲۲۷)

## ۱۱. عثمان بن سعید العمري از اصحاب امام هادي

و امام حسن عسکری (عليهما السلام)

صاحب معجم الرجال در مورد ایشان چنین می نویسد:

«عدة الشيخ في رجاله في اصحاب الهادي ◆. قائلاً : عثمان بن سعید العمري، یکنی اباعمر السّمان، و یقال له:

الزِّيَات خدمه (الهادي) عليه السلام و له احدي عشرة سنة وله اليه عهد معروف و (اخري) في اصحاب العسكري ♦. قائلاً : عثمان بن سعيد العمري الزيات و يقال له السمان يكني ابا عمرو جليل القدر، ثقةً، وكيله العسكري ♦.

آيت الله خویی در شرح حال فرزند ایشان یعنی محمد بن عثمان بن سعيد در مورد خود عثمان بن سعيد نیز چنین آورده است: (عثمان بن سعيد) وکیل من جهة صاحب الزمان عليه السلام، و له منزلة جلیلة عند الطائفة. (خوئی، ج ۱۱، ص ۱۱۱)

و امام هادی (عليه السلام) نیز درباره ایشان فرمودند: " هذا ابو عمرو الثقة الامين، ما قاله لكم نعتي يقوله و ما اداه اليكم فعني يؤديه"، همچنين امام حسن عسكري (عليه السلام) نیز در مورد عثمان بن سعيد سخنی همچون کلام پدر بزرگوارشان بیان فرموده است: " هذا ابو عمرو الثقة، الامين، ثقة الماضي و ثقتي في المحيا و الممات فما قاله لكم نعتي يقوله و ما اداه اليكم فعني يؤديه". (همان، ۱۱۲/۱۱)

مدرسی در ریحانة الادب هم، عثمان بن سعيد را با عبارات زیر معرفی می نماید:

«امين و عادل و ثقه و جليل القدر و طاهر و عفيف از وکلای اربعه حضرت ولي عصر – ارواحنا فدا.» (مدرسی، ۲۰۶/۴)؛ نیز نک، تستری، ۱۲۰/۷؛ کشی، ۵۸۰؛ کلینی، ۳۳۰/۱

ثم انه ذكر ابن شهر آشوب، ان عثمان بن سعيد العمري كان باباً لابي جعفر محمد بن علي التقى عيله السلام (المناقب، ۴)

## نتیجه گیری

چنان که ملاحظه شد، روایان این زیارت همگی از علمای جلیل القدر و ثقه‌ای همچون شیخ مفید، ابن قولویه، کلینی، علی بن ابراهیم قمی می‌باشند و دو نفر از روایان از وکلای خاص حضرت مهدی ♦ هستند.

با توجه به مطالب مطرح شده در این مقاله می‌توان ادعا نمود که زیارت حضرت امیر در روز غدیر در عداد

موثق ترین زیاراتی است که از ناحیه امام معصوم (حضرت هادی) ♦ به شیعیان و علاقه مندان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) ارزانی داشته شده است.

## منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۲. ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین احمد، *معجم المقاییس اللغة*، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، نجف، ۱۳۵۶ ش.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد، *مناقب آل ابی طالب*، قم، ۱۳۷۹ ق.
۵. بحر العلوم طباطبایی، محمد المهدی، *رجال بحر العلوم*، تهران، ۱۱۵۵-۱۲۱۲ ق.
۶. تستری، محمد تقی، *قاموس الرجال*، ۱۴۱۸ ق.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت.
۸. جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مقربان* (شرح زیارت جامعه کبیره)، قم، ۱۳۸۱ ش.
۹. حلی، جمال الدین حسن بن یوسف بن علی بن مطهر (علامه حلی)، *خلاصه الاقوال فی معرفه احوال الرجال*، قم، ۱۴۱۱ ق.
۱۰. سبحانی، جعفر، *الوسیط فی اصول الفقه*، قم، ۱۳۸۰.
۱۱. سید بن طاووس حسینی، عبدالکریم بن احمد، *فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین* ♦، قم، ۱۴۱۹ ق.
۱۲. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، تهران، ۱۳۶۷ ش.
۱۳. \_\_\_\_\_، *الفهرست*، به کوشش بحر العلوم، نجف.
۱۴. \_\_\_\_\_، *رجال طوسی*، قم، ۱۴۱۵.
۱۵. \_\_\_\_\_، *الغیبة*، مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی، تهران.
۱۶. خوئی، ابوالقاسم، *معجم الرجال الحدیث*، قم، ۱۳۶۹ ش.
۱۷. \_\_\_\_\_، *مقدمه معجم الرجال*، ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. قمی، عباس، *هدیه الزائرین بهجة الناظرین*، قم، ۱۳۸۳ ش.
۱۹. \_\_\_\_\_، *مفاتیح الجنان*.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تصحیح و پاورقی طیب جزایری، قم، پاییز ۱۳۶۷ ش.
۲۱. کشی، محمد بن عمر، *رجال کشی*، ۱۳۴۸.
۲۲. کلینی الرازی، یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۲۳. مشهدی، ابو عبدالله محمد بن جعفر، *المزار الكبير*، تحقیق جواد قیومی، قم، ۱۴۱۹ ق.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۲۵. محمد بن مکی (شهید اول)، *المزار*، چاپ اول، قم، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. محمدی گیلانی، محمد، *شرح زیارت امین الله*، مقدمه و پاورقی زین العابدین قربانی، قم، ۱۳۷۴ ش.
۲۷. مدرس، محمد علی، *ریحانة الادب*، تهران، ۱۳۶۹.
۲۸. معارف، مجید، *تاریخ عمومی حدیث*، تهران، ۱۳۸۵.
۲۹. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم.

۳۰. نعمانی، محمدبن ابراهیم، *الغیبة*، تهران، ۱۳۹۷ ق.

۳۱. مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*